

قسمت اولی

سیر تکاملی زبان

بقلم آقای فوادی

معلم محترم فارسی در مدارس نظام

حالات زبان در نشوونما و ترقی و سیر تکاملی و انحطاط شباهت زیادی بزندگانی انسان دارد. زبان هم متولد میشود، نشوونما میکند، دوره ترقی و انحطاط را پیموده و بالاخره بوادى عدم رهسپار میگردد. مثل آنکه از زبان واحد هند و اروپائی زبانهای فارسی - هندی - ارمنی - فرانسه - انگلیسی - روسی و غیره جدا شده و هر کدام از آنها مستقل سیر تکاملی خود را انجام داده و میدهند. برخی از این زبانها دوره انحطاط خود را نیز سیر کرده و بالاخره از بین رفته و بعبارة آخری مرده اند چنانکه زبان لاتین امروزه بکلی فراموش شده و ماقص استخوان بندى آنرا روی نسخه اطباء یا در کتب علوم طبیعی مشاهده میکنیم و حال بهیچوجه دسترسی بتلفظ کلمات لاتین نداشته و نمیدانیم ملت روم قدیم آنها را چگونه ادا میکردند است.

حال باید دانست که سیر تکاملی زبان بر روی چه اصالی و باچه طریقی انجام میگردد. در این مقاله ما فقط قسمت صوتی (لفظی) آنرا تحت مطالعه قرار میدهیم و قسمت معنوی را بوقت دیگر موکول میداریم.

سیر تکاملی زبان در قسمت صوتی (لفظی) بطرف تحلیل و اختصار است یعنی الفاظ ثقیل و خشن و مفصل بالفاظ نرم و سهل و مختصر تبدیل یافته و برخی لواحق و ادوات بمرور از بین میروند.

۱ - بعضی اصوات که تلفظ آنها مشکل و ثقیل است رفته رفته باصوات ساده و سهل تبدیل گشته یا بکلی از بین میروند مانند: kh = خ، gh = غ، lh = ث (ذ) dh = ذ، tch = چ، ph = ف، چنانکه اصوات غ - ث - ذ و غیره در زبان فرانسه نیست و شیخص فارسی زبان بجای ث - ح - ذ - ص - ض - ط - ظ - ق اصوات س -

ز - س - ز - ت - ز - غ (گ ، ک) را تلفظ میکنند . در صورتیکه میدانیم در زبان اوستا و فارسی کیانی بعضی از این اصوات وجود داشته است . در زبان فارسی تا چندی قبل یاء مجهول و همچنین واو مجهول وجود داشته . لکن امروز بجای اولی ی و بجای دومی او تلفظ میشود و این دو صوت از بین رفته اند مثل شر (Cheer) که امروز شیر و گر (Goor) که امروز گور (قبر) تلفظ میشود تاجیکهای ترکستان و افغانستان امروز هم یاء و واو مجهول را بقرار سابق صحیح تلفظ میکنند بنابراین شیر بمعنی لبن عربی و شیر بمعنی لیث عربی را دونوع تلفظ مینمایند اولی را (Chuir) و دومی را (Cheer) ادا میکنند .

۲- برای اختصار و ساده نمودن الفاظ اعمال دیگر از قبیل اماله - قلب - حذف مجری میگردد . بعضی مصوته های ترکیبی مثل یو-یا-او و امثال آنها بشکل مصوته های بسیط در آیند ، مانند اختصار $e = ai$ و $o = au$ و غیره و مانند قلب ن به م در جائیکه ن قبل از ب درمی آید مثل کلمه انبر که ابر تلفظ میشود و مانند gn که در فرانسه ن نرم تلفظ میگردد - کلمه وفر = بفر = برف و آثر = آتش و اوشی = هوش و پرنایو = برناو کلمه وج = واج = واژه شده است در بعضی جاها صوت و به گ تبدیل میشود مثل وراز = گراز - ویشتاب = گشتاسب .

۳ - الفاظی که بر اصل کلمه برای تشکیل اشکال کلمات افزوده میشود (مانند ضمائر و ادوات دیگر) و در اول ، وسط و آخر کلمات می آید متدرجاً تا آخرین حد امکان ازین میرود مثل افتادن ادات فله از آخر صفت فاعلی مرکب چون جنگجوی که در اصل جنگجوینده بوده است و مثل افتادن (ان) ادات تعدیه در افعال مانند سوخن که بمعنی سوزانیدن هم استعمال میگردد . مثلاً در عوض کلمه میسوزاند میتوانیم بگوئیم میسوزدو (ان) را میاندازیم (در دستور زبان در تعریف این قبیل کلمات میگویند افعالی که هم لازم هم متعدی استعمال شوند)

۴ - اصوات او آخر کلمات متدرجاً ازین میرود مانند افتادن یو از آخر کلمه پرنایو که این کلمه امروز برنا (جوان) شده است . کلمه bhagas سانسکریت در زبان اوستائی bhaga (بغ) = خدا و در روسی bog شده و کلمه domus (خانه) لاتینی

در روسی بشکل Dom درآمده است .

۵ - اشکال قدیم مفصل باشکال جدید مختصر تبدیل مییابد . مانند اختصار شکل رفته ایستاده است (دارد میرود) تاجیکی که در زبان فارسی امروز میروده شده و شکل رفته ام که امروز رفته ام گردیده است .

۶ - آهنگ موسیقی کلمات با آهنگ لفظی مختصر میشود (در این باب مفصلاً در مقاله قبل (شماره ۱۲ سال اول) تحت عنوان آهنگ زبان فارسی بحث شد) .

۷ - فرق حروف مصوتة محدود (کشیده) و مقصور (کوتاه) ازین میروود مانند حرف الف در کلامه انشاء که از عربی وارد زبان ما شده و آخرش را مقصور تلفظ مینماییم (بدیهی است کلمات خارجی چون وارد زبانی شد تابع شرایط تلفظ قومی گردید « حق تابعیت » داشته و جزو کلمات آن زبان محسوب میگردد . مثل آدمیرال در السنه اروپائی که اصلش امیر البحر و اساسین فرانسوی که اصلش حشاشین عربی است (چون مأمورین اسمعیلیه در جنگهای صلیبی دخالت داشته و اسباب وحشت شده بودند آوازه آنها بتوسط صلیبیون در اروپا مخصوصاً پیچید بدرجه که رفته رفته اسم حشاشین از معنی حقیقی خود بجازی منتقل و مصطاح گردید) و قپودان ترکی که در اصل کاپتن (کاپیتان) بوده است . این کلمات بعد از تغییرات مقتضی جزو لغات زبان میگردد و حال آنکه ابتدا از زبانهای اجنبی گرفته شده است .

تمام این تغییرات در تحت تأثیر يك عامل مهمی است که فطرت بشری آنرا تقاضا مینماید و آن صرفه جوئی از وقت است تا عمل تلفظ را تخفیف دهد و در تکلم قوای کمتر بمصرف رسانده و قسمت ذخیره را برای توسیع و تکمیل و سرعت اعمال ذهنی بکاربرد . این عامل در تمام حیثیات زندگی گمانی مؤثر است چنانکه ملاحظه میکنیم انسان ماشین اختراع نموده که بجای دلهاهزار دست یکنفر آنرا اداره مینماید در تهیه لباس و خوراک و سایر لوازم زندگی نیز برای صرفه جوئی از وقت و به مصرف رساندن قوای کمتر ، کوشش نموده موفق میگردد .

تخفیف و تسهیل عمل تلفظ بهبب میشود که تکامل آلتی ازوظایف پذیر و وسیله انتقال سریع و ترقی فکر انسان میگردد .

بدیهی است کلامه مفصل و مشحون بزوائد و لواحق در واحد زمان البته دیرتر و مشکلاتر بوسیله آلات تلفظ ادا شود تا کلامه که با اصول فوق ساده شده باشد زیرا کلامه ساده زحمت تلفظ را کم میکند و وقت برای شنیدن آن کمتر صرف میشود. مثلاً بجای ماضی ابعدا مستمر (مانند میرفته بوده ام) امروز فقط ماضی نقلی (رفته ام) یا ماضی استمراری (میرفتم) استعمال میکنیم یا آنکه بجای کلمات رفتستم - رفتستی، امروز رفته ام - رفته بکار میبریم - در اثر همین عامل است که بعضی حروف در فرانسه مانند t-d-g-s و غیره چون در آخر آید تلفظ نمیشود - کلمه eau = o و کلمه through انگلیسی thro - خوانده میشود در صورتیکه، بحقیق است وقتی اینکلمات مطابق حروف خود تلفظ میگشته اند - در زبان تکلم این اختصار بدرجه فوق العاده میرسد مثل آکل - ماق ترکی که آنا ماخ تلفظ میشود - بجای میشود میگوئیم همیشه و بجای مشهدی محمد اسمعیل میگویند شش مداسمال و امثال ذلك.

با آنکه در زبانهای زنده امروز اغلب ادوات حذف شده و بمروور ازین رفته اند لکن حالات صرفی و نحوی کلمات کاملاً محفوظ و باصطلاح عرب این علامات مقدر است یعنی مفهوم ذهنی دارد مثلاً فعل ماضی مطلق فارسی دارای شش شکل است: من آمدم تو آمدی - او آمد - ما آمدیم - شما آمدید - آنها آمدند. در مقابل این در زبان انگلیسی فقط يك شکل برای افاده تمام آن حالات موجود است و مقام کلمه در جمله حالت آن را تعیین مینماید: They came - We came - he (she) Came - You Came - I came.

پس یکنفر انگلیسی نسبت بیگنفر فارسی زبان برای تلفظ ماضی مطلق کمتر وقت و قوه تاف میکنند در صورتیکه عمل ذهنی او با عمل ذهنی فارسی زبان مساوی است. در زبان ما اسم صرف نمیشود لکن در زبان روسی اسم بمقتضای حالت خود تغییر میکنند. در زبان سانسکویت که برادر زبان فارسی دوره اوستائی است نیز اسماء صرف میشده است. در زبان لاتین هم اسماء در اواخر لواحق مختص بخود داشته است. پس معلوم میشود که در زبان هند و اروپائی نیز اسماء صرف میشده و در شاخه فارسی آن بمروور آن لواحق و ادوات ازین رفته است، مثلاً کلمه Voda (آب) روسی نسبت بحالت خود در جمله اشکال ذیل را داراست: Vode - Vodi - Voda

Vodakh - Vodami - Vodam - Ved - Voodi - Vodoiou - Vodoi - Vcdou
 تمام این اشکال در فارسی يك شکل (آب) موجود است و حالت کلمه بواسطه مقام آن
 در جمله تعیین میگردد .

يکنفر فارسی زبان نسبت به عرب برای تلفظ معدود اعداد کمتر قوه و وقت
 بمصرف میرساند زیرا در عربی برای معدود اعداد اشکال مختلف وجود دارد مثلا
 بجای حرف - حرفان - حرفین - حروف - احرف - حرفا - حرفی در فارسی شکل
 (حرف) کافی و تمام این حالات را ادا میکند. کلمه اب (پدر) در عربی اشکال ذیل
 را داراست : اب - ابا - ابو - ابي - ابوان - ابوين - آباء وغيره لکن در فارسی يك
 شکل (پدر) کفایت میکند . بجای سیزده شکل ماضی عربی در فارسی شش شکل برای
 افاده معانی تمام اشکال عربی وجود دارد . این اختصار در عربی هم هست لکن
 نسبت به فارسی کمتر است مثل خرجما - بیرون آمدید شما دو نفر (مرد - زن) و
 خرجت - بیرون آمدم (مرد - زن) .

از مقایسه فوق بخوبی مستفاد میشود که سیر تکاملی زبان فارسی در قسمت
 تلفظ نسبت بسیاری از زبانها جلو رفته و همین امر قدمت آن را ثابت میکند و شکی
 نیست که زبان فارسی از عربی خیلی قدیمتر است . اینکه در حدود ۱۵۰۰ - ۲۰۰۰
 سال قبل از میلاد عربها و یهود بدون مترجم زبانهای همدیگر را میفهمیدند و امروز
 هم شباهت این دو زبان بهمديگر بدیهی است (شمش عبری - شمس عربی ، می
 عبری - ماء عربی و امثال آن) معلوم میکنند که زبان عربی خیلی قدیمی نیست و
 بعدها با سیر تکاملی از زبان واحد سامی فرق و امتیاز یافته است .

گمان نرود که زبان فارسی در مراحل اولیه نشوونمای خود اشکال مفصلی نداشته
 بلکه مانند زبان سانسکریت و روسی آنها را دارا بوده است بعدها با سیر تکاملی آنها را
 مختصر کرده است . هنوز هم بعضی از شعب فارسی در گوشه و کنار قسمتی از این اشکال
 را حفظ کرده اند مثل اینکه در زبان تاجیکهای پامیر و کردهای سرحدی ایران اشکالی
 برای مذکر و مؤنث هر دو وجود دارد . پس زبان آنها نسبت به زبان ایرانیان را کدمانده است .
 فکر فارسی زبان نسبت به تلفظ جلو رفته است . عرب میگوید خرج زید -
 خرجت مريم (خرج - خرجت) فارسی زبان میگوید بیرون آمد زید - بیرون آمد

مریم و در عین حال فارسی زبان تشخیص میدهد که فعل اول برای مذکر و فعل دوم برای مؤنث است و بایک شکل دو حالت را ادا مینماید. باین جهت زبان فارسی و کلیه زبانهایی که اشکال صرفی و نحوی آنها کمتر است سهلتر و برای بیان وسوق کلام وسیعتر میباشد (بدیهی است موضوع لغات در این مورد دخالت کلی دارد). برای اثبات این مدعا گوئیم که مندرجات کتاب ودا- تورات- ایلیاد وادیسه همرا بخوبی میتوان بزبانهای امروز ترجمه نموده پرورانیم. لکن يك جماعه ادی امروز نمیتوانیم بآن زبانها ترجمه کنیم با آنکه اشکال صرفی آنها بمراتب از زبانهای کنونی بیشتر است. زبان ما گرچه دارای آن اشکال مفصل نیست لکن مفهوم و مفاد آنها را در ذهن قوم و ملت خود حفظ نموده است.

مقصود نگارنده این نیست که برای زبان فارسی از روی مطالب فوق مزیتی قائل شود، بلکه برای تشخیص مزیت آن موازین و شرایط دیگری لازم است که داخل در مبحث مانست. مقصود اثبات این مطالب است که جنبه تلفظی زبان بطور عموم بطرف اختصار و سهولت میرود.

قسمت تفریحی

- چرا فقط يك لنگه دستکش بدست کرده ای؟ مگر آن یکی را کم کرده ای؟
- نه، این یکی را پیدا کرده ام

از درازی این مکتوب معذرت میخواهم -- وقت نداشتم مکتوب کوتاهتری بنویسم. پاسکال

زن برای آنست که دوستش بداندند- رای آن نیست که روحیاتش را مطالعه کنند- اسکار وایلد

من اینک پیر شده و بسی سختیها کشیده ام - اما غالب این رنجهارا بخاطر مصائبی کشیدم که هیچگاه پیش نیامد. مارک توین - (نویسنده امریکائی)

کتاب مقدس هم مخالف تعدد زوجات است زیرا میگوید: «مرد نمیتواند خدمت بیش از يك مخدوم را بکند».

معالم جغرافی - وقتیکه خورشید میگیرد چه اتفاق میافتد؟
شاگرد - يك عده زیادی از مردم بیرون میآیند که آنرا تماشا کنند.

معالم تاریخ - راجع به نرون هرچه میدانید بگوئید -
شاگرد - راجع باین مرد هرچه کمتر گفته شود بهتر است.